

تلاش برای آزادی فوری دستگیرشدگان اول ماه می و نگاهی به دستاوردهای این روز!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

کارگران ایران، هم چون هم طبقه ای ها و هم سرنوشتی های خود در جهان، دست در دست خانواده ها و مدافعین طبقاتی خود، در میان انبوهی از مشکلات اقتصادی، سرکوب، بی کارسازی های وسیع در اثر بحران سرمایه داری و... در خیابان های شهرهای جهان، دست به نمایش قدرت زدند و خواست ها و مطالبات خود را به گوش جهانیان رساندند.

شاید ایران، تنها کشور استثنایی توسعه یافته در جهان باشد که کارگران حق ندارند روز جهانی خود را آزادانه و به طور مستقل برگزار کنند. اما فعالین کارگری با وجود تهدیدات و سرکوب های مداوم دولتی، از ماه ها قبل با شور و شوق فوق العاده و تحسین برانگیزی به استقبال روز همبستگی جهانی خود و سازمان دهی آن می روند. از این رو، مراسم های روز جهانی کارگر که در شهرهای مختلف ایران برگزار شد در برخی از شهرها به ویژه در سنندج و تهران، نیروهای سرکوبگر حکومتی به تجمع کنندگان یورش بردند و با ضرب و شتم بیش از ۲۰۰ نفر را دستگیر کردند.

کارگران ایران، در حالی به استقبال اول ماه می امسال خود شتافتند که هفته های قبل از آن، اعتراضات کارگری در جریان بود و برخی از فعالین کارگری نیز تهدید و یا زندانی شده بودند. برای نمونه، دستگیری حدود ۹۰ نفر از فعالین کارگری در شهر سنندج و یا احضار رهبران سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه به دادگاه؛ معلمان به عنوان بخشی از طبقه کارگر ایران، با اعتصاب خود مدارس را به تعطیلی کشانده بودند؛ در برخی از دانشگاه های کشور، اعتراضات دانش جویی در جریان بود و رسانه های غیردولتی به ویژه وب لاگ نویس ها، با هجوم سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، دولت و مجلس مواجه شده بودند؛ در واقع فعالین جنبش های اجتماعی و آزادی بیان و قلم و اندیشه بیش از گذشته، با تهدید و تعقیب مامورین امنیتی - انتظامی مواجه بودند. یک وجه مهم این فضا سازی پلیسی - امنیتی در مقطع اول ماه می، تلاش نیروهای سرکوبگر حکومتی برای جلوگیری از برگزاری مراسم های مستقل روز جهانی کارگر بود. سران حکومت اسلامی، از خیزش کارگران و مردم محروم نگران بودند. البته این نگرانی آن ها هنگامی به کابوس مبدل شده است که مضحکه انتخابات ریاست جمهوری شان را در پیش دارند. اکثریت مردم ایران، به این بازی تکراری سی ساله حکومت اسلامی، اهمیت چندانی نشان نداده اند و با وحشی گری هایی که حکومت اسلامی با حمله به تجمع کارگران در روز اول ماه می، دستگیری فعالین زنان، تهدید و زندانی کردن روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان و... راه انداخته اند اصولا حتما باید توجه متوهم ترین انسان ها را نیز به این مساله جلب کند که به پای صندوق های رای این جانیان، ستم گران و استثمارگران حکومتی و جناح های آن نروند و در مقابل دوربین های تلویزیونی به سیاهی لشکر آن ها تبدیل نگردند!

اگر یک ارزیابی کوتاهی از اول ماه می امسال داشته باشیم به این واقعیت ها برمی خوریم که اول، اول ماه می امسال نسبت به سال های قبل، در شهرهای بیش تری برگزار شد. دوما، فعالین کارگری تجمعات خود را به مراکز شهرها کشانند. سوم و مهم تر از همه، ده شکل کارگری با گرایشات مختلف و با استقلال خود، به پای سازمان دهی مشترک روز جهانی کارگر در پارک لاله رفتند. این سه وجه، به لحاظ کمی و کیفی گام مهمی در جهت همبستگی طبقاتی کارگران و پیش زمینه ای در جهت برپایی شکل سراسری کارگران ایران محسوب می شود. باید این حرکت را تقویت و تاکید کرد که ارتباط بین این ده شکل مستقل کارگری را باید به سطح عالی تری ارتقا داد و برای پیش برد امر طبقاتی کارگران، طرح و برنامه روشن تری برای نزدیکی و به ویژه برای سازمان دهی حرکت های متحد و مشترک در جهت خواست ها و مطالبات عمومی کارگران تدارک دید. در سطح نظری نیز طبیعی است که در فضای صمیمانه و سالم و رفیقانه، نقد و بررسی مسایل گرهی طبقه کارگر، معنی و مفهوم واقعی و تاثیرگذاری پیدا می کند. یعنی نباید توهم داشت که این شکل ها، با یک فراخوان به لحاظ نظری خیلی سریع به همدیگر نزدیک شوند. بی شک، در پروسه عمل و فعالیت بهتر می توان به توافق ماندگاری دست پیدا کرد. در همین پروسه و تلاش در راستای سازمان دهی شکل سراسری کارگران است که کدام یک از گرایشات درون طبقه در سطح رهبری سراسری این جنبش قرار می گیرد؛ مثلا گرایش کمونیستی و یا رفرمیستی و سندیکالیستی، بستگی به توازن قوای آن ها در درون طبقه و طرح و نقشه عمل ها و تلاش هایشان در جهت همبستگی و اتحاد کارگران و مبارزه متشکل و متحد سراسری آن ها بستگی دارد. اما اگر قطعا گرایش کمونیستی ناظر بر فعالیت های طبقاتی کارگران نباشد نفس استثمار زبر سنوال نخواهد رفت.

چند روز قبل از اول ماه می، ۱۰ شکل مستقل کارگری با انتشار بیانیه ای علنی اعلام کرده بودند که مراسم جهانی خود را در پارک لاله تهران برگزار خواهند کرد. بر اساس این بیانیه، این شکل ها خواستار زندگی بهتر برای میلیون ها کارگر شده بودند. افزایش حداقل دستمزدها و توقف اخراج

ها از جمله خواست های کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات ساختمان، کانون مدافعان حقوق کارگر، شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، شورای زنان و جمعی از فعالین کارگری بودند. این یک اقدام موثر و مهمی است که برای اولین بار چند تشکل مستقل کارگری با جهت گیری های مختلف سیاسی، این مراسم مشترکی را تدارک دیده بودند. شکی نیست که دست اندرکاران این تشکل ها و دیگر فعالین دل سوز جنبش کارگری، در صورت تشخیص خود، سیاست های همدیگر را در فضای صمیمانه، رفیقانه و سالم مورد نقد قرار دهند و در عین حال فراموش نکنند که سازمان دهی حرکت های سراسری مشترک و متحد مثلا برای برپایی تشکل سراسری کارگران، افزایش دست مزد، گرفتن دستمزدهای معوقه، برقراری بیمه بی کاری مکفی، لغو کارهای موقت و پیمانی و استخدام دایمی، لغو کار کودک، آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی، آزادی بیان و تشکل و... امر همه کارگران بدون توجه به گرایشات سیاسی آن هاست. از سوی دیگر، عموما در عرصه فعالیت و عمل و رابطه مشترک است که گرایشات هر چه بیش تر نقاط ضعف و قوت و مشترک همدیگر را تشخیص می دهند و نقد و بحث و بررسی خود را بر روی آن ها متمرکز می کنند. در چنین روندی این نقدها و بحث ها هم گوش شنوای بیش تری پیدا می کنند و هم تاثیر مخربی در اقدام مشترک طبقاتی به بار نمی آورند.

خواست هایی که در فراخوان ۱۰ تشکل مستقل کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر فرموله شده است مسایل مبرم کارگران ایران را در بطن خود دارد. از این رو، برای تحقق این خواست ها از همین امروز باید طرح و نقشه عمل داشت و در جهت آن ها کوشید.

در فراخوان نهادهای مستقل کارگری، ۱۵ خواست مبرم کارگران ایران، به شرح زیر فرموله شده است:

- ۱- تامین امنیت شغلی برای همه کارگران و لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء و برجیده شدن فرم های جدید قرارداد کار.
- ۲- حداقل دست مزد مصوب شورای عالی کار، خط مرگ تدریجی است! حداقل دست مزد کارگران باید توسط نمایندگان واقعی و تشکل های مستقل کارگری تعیین گردد.
- ۳- برپایی تشکل مستقل کارگری، اعتصاب و اعتراض و تجمع حق مسلم ماست!
- ۴- دستمزدهای معوقه باید بدون عذر و بهانه پرداخت گردد!
- ۵- اخراج و بی کارسازی کارگران باید متوقف گردد!
- ۶- حقوق زنان و مردان در تمامی شئون اقتصادی - اجتماعی باید برابر باشد.
- ۷- بازنشستگان باید از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی برخوردار شوند.
- ۸- کارگران با معلمان (کارگران فکری)، پرستاران و سایر اقشار زحمت کش جامعه متحدند و از مبارزات آنان پشتیبانی می کنند.
- ۹- از اعتراضات و خواسته های کارگران فصلی و ساختمانی قاطعانه پشتیبانی می کنیم.
- ۱۰- کار کودکان غیرانسانی و استثمارگرانه است. ما با فعالین لغو کار کودک هم سنگر هستیم.
- ۱۱- منصور اسانلو، ابراهیم مددی و دیگر کارگران زندانی باید بدون قید و شرط آزاد گردند و تعقیب های قضایی علیه دیگر کارگران باید فوراً پایان پذیرد.
- ۱۲- ما خود را متحد با جنبش های اجتماعی دیگر مانند دانش جویان و زنان می دانیم.
- ۱۳- ما از کارگران مهاجر مانند کارگران افغانی، به عنوان بخشی از هم طبقه ای های خود، قاطعانه پشتیبانی می کنیم.
- ۱۴- ضمن تشکر از حمایت های جهانی از کارگران ایران، ما کارگران ایران، خود را متحد با دیگر کارگران جهان می دانیم.
- ۱۵- اول ماه مه، باید تعطیل رسمی گردد و هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

این خواست ها و مطالبات واقعا زمینی و دغدغه واقعی و دایمی کارگران سراسر کشور است. از این رو، ضروری است که همه فعالین و مدافعین جنبش کارگری برای تحقق آن ها طرح و برنامه داشته باشند و قبل از همه، فعالین و مسئولین این ده تشکل، پیش گام و پایه گذار و طراح اصلی حرکت های بعدی در تحقق بندهای فراخوان خود باشند و اتحاد و همبستگی سراسری کارگران ایران را بیش از پیش تقویت کنند. چرا که در این دوره، یکی از مسایل عمده و مهم کارگران، سازمان دهی تشکل سراسری کارگران سراسر کشور است. در هر حرکتی و اقدامی و جمعی و جلسه ای باید به این مساله تاکید کرد.

از سویی مراسم امسال دولتی روز کارگر توسط خانه کارگر، با حضور کم تر از ۵۰۰ نفر برگزار شد، بار دیگر ورشکستگی این نهاد ضدکارگر را به نمایش گذاشت. این مساله هم ناشی از رشد و آگاهی هر چه بیش تر کارگران است. بیش تر شرکت کنندگان مراسم دولتی خانه کارگر، یا از دانشجویان علمی کاربردی خانه کارگر بودند و یا از کارمندان خانه کارگر شهر ری و خانه کارگر شرق تهران. این افراد قبلا به این مراسم دعوت شده بودند تا کارگران معترض نتوانند وارد آن جا شوند و

همانند سال های قبل، این مراسم دولتی را به ضدبرگزارکنندگان آن تبدیل نمایند. بنابراین، اول ماه می امسال، خانه کارگر حکومت نیز رسوا شد.

دستگاه قضایی حکومت اسلامی، در روز اول ماه می، برای این که وحشی گری خود را هر چه بیش تر به جامعه ایران و جهانیان نشان دهد، «دلارا دارابی» که متهم بود در کودکی مرتکب قتل شده است به دار آویخت. دلارا دارابی، متهم بود در سال ۱۳۸۶ در سن ۱۷ سالگی مرتکب قتل شده و به اعدام محکوم شده بود، روز جمعه ۱۱ اردیبهشت ماه در زندان رشت اعدام شد.

شایان ذکر است که طی هفته های اخیر، تلاش های گسترده ای در داخل و خارج ایران برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام دلارا در جریان بود اما، حکومت اسلامی بدون اعتناء به این حرکت های انسانی دلارا دارابی را اعدام کرد.

در چنین شرایطی، لازم به تاکید است که نمایش انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ۲۲ خرداد ۸۸، به معنای واقعی امر کارگران، زنان، دانش جویان و مردم تحت ستم نیست. چرا که اگر این انتخابات برای جناح ها و سران حکومت، رقابتی واقعی بین آن ها در جهت تقسیم قدرت و ثروت است بر عکس، برای اکثریت مردم ایران، ارزش چندانی ندارد. در این سی سال گذشته نیز انتخابات حکومت اسلامی، کم ترین دستاوردی برای جامعه ایران نداشته و بهبودی نیز در زیست و زندگی و آزادی آن ها به بار نیاورده است. زیرا همه جناح ها و سران حکومت اسلامی که خود را کاندید ریاست جمهوری می کنند همگی از عوامل اصلی حکومت اسلامی و فرماندهان ارگان های سرکوب و ترور هستند که دست همه شان نیز به خون ده ها هزار انسان آلوده است. مساله همه کاندیداهای جناح های حکومت اسلامی در این سی سال که از صافی ده ها ارگان امنیتی عبور داده می شوند نه رفاه جامعه و آزادی های فردی و اجتماعی مردم، نه زنان، یعنی نصف جمعیت کشور که حتی از ابتدایی ترین حقوق انسانی و اجتماعی خود نیز محروم هستند و حتی به طور دائم در خیابان ها و محیط کار و زندگی شان نیز مورد تحقیر و توهین قرار می گیرند؛ نه امر میلیون ها کودک کار که برای کمک به گذران زندگی خانواده های خود، به کارهای خطرناک وادار شده اند؛ نه امر میلیون ها انسان بی کار که فقر و فلاکت اقتصادی و تورم و گرانی روزافزون کمرشان را خم کرده است؛ نه لغو شکنجه، اعدام، قصاص و سنگسار؛ نه امر آزادی بیان و قلم و اندیشه و تشکل و...، بلکه اساسا امر چگونگی بقای حکومت و حفظ قدرت دغدغه و مشغله همه کاندیداها و جناح های حکومتی است. از احمدی نژاد، محسن رضایی تا موسوی و کروبی، همگی در این سی سال در سازمان دهی و هدایت سرکوب و کشتار، تهدید و ترور، و بی حقوقی های مردم ایران، نقش های مهمی داشته و همین امروز نیز در تلاشند این حکومت جهل و جنایت را حتی به بهای کشتار هزاران انسان حفظ کنند. پس چرا باید مردم ایران، پس از سی سال تجربه تلخ و تکان دهنده دایمی، بار دیگر به سیاهی لشکر این و یا آن جناح حکومتی تبدیل شوند؟! بنابراین، جهت گیری مبارزه سیاسی و اجتماعی نه مماشات با این و یا آن جناح حکومتی، بلکه باید کلیت آن را مدنظر داشته باشد.

هجوم وحشیانه به تجمع کارگران در اول می، سرکوب اعتراض بر حق معلمان به عنوان بخش دیگری از طبقه کارگر، اعدام و دستگیری فعالین جنبش کارگری، جنبش دانش جویی، جنبش زنان و سرکوب گسترده آزادی بیان و اندیشه، مسایل کوچکی در یک کشور نیستند که بتوان به سادگی از کنار آن ها گذشت و به پای صندوق های رای نمایش انتخابات ریاست جمهوری این حکومت رفت؟ حکومت اسلامی، حکومت جهل و جنایت، سرکوب و ترور، شکنجه و اعدام، قصاص و سنگسار و دشمن آزادی بیان و اندیشه و... است که نه تنها در ایران، بلکه در جهان نیز معروفند. اگر فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، کمی بازتر شود بی شک میلیون ها خانواده ایرانی، شاکه های خصوصی سران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی خواهند بود.

در چنین شرایطی، در داخل کشور از سوی ۱۰ تشکل مستقل کارگری فراخوان دهنده مراسم اول ماه می پارک لاله تهران، خانواده دستگیرشدگان، همه انسان های آزادی خواه و مدافع جنبش کارگری برای آزادی فوری دستگیرشدگان تلاش های گسترده ای در جریان است. در خارج کشور نیز هماهنگ با فعالیت های داخل کشور، می توان یک کمپین قوی و موثر سیاسی، تبلیغی و عملی راه انداخت و این کمپین را دست کم تا روز ۲۲ خرداد، یعنی روز نمایش «انتخابات» ریاست جمهوری با برگزاری میتینگ و تظاهرات و...، در مقابل سفارتخانه ها و دیگر مراکز حکومت اسلامی و مراکز شهرهای اروپا و آمریکای شمالی برگزار کرد. بی شک طبقه کارگر ایران، با مبارزه طبقاتی خود و هم چنین با حمایت و پشتیبانی جنبش زنان و جنبش دانشجویی و همه انسان های آزادی خواه، قادر است که آزادی همه زندانیان سیاسی و به ویژه دستگیرشدگان اول ماه می و آزادی تشکل و بیان و اندیشه و... را به حکومت اسلامی تحمیل کند. از این رو، این جنبش را باید تقویت کرد!

چهاردهم اردیبهشت ۱۳۸۸ - پنجم می ۲۰۰۹